

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال هشتم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۴
صفحات: ۲۰۲-۱۸۱
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۸/۱۱

مولفه‌های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

دکتر مهدی عباس‌زاده فتح‌آبادی*

چکیده

تحول در مفهوم قدرت که از آن به‌عنوان «قدرت نرم» یاد می‌شود، به‌عنوان یک روش تحلیل در حیطه سیاست بین‌الملل و ابزاری جهت بهینه‌کردن سیاست خارجی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. قدرت نرم الگویی به نسبت جوان محسوب می‌شود که به نوعی بر مفاهیم مترادف آن چون نفوذ، اقتدار و مشروعیت مبتنی است. این قدرت، قدرت هدایت‌کردن، جذب‌کردن، اقناع‌کردن و تعیین‌دستور کار است. امروزه استفاده از مولفه‌های قدرت نرم در سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها بیش از گذشته مورد تأکید قرار گرفته است. در مفهوم‌سازی اولیه از قدرت نرم مولفه‌هایی مثل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوبیت‌های سیاست خارجی بیان گردیده است. نویسنده در این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی مولفه‌های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از ارزش‌های سیاسی مردم‌پسند (شامل خدامحوری، اخلاق و عدالت)، رهبری فره‌مند، مشروعیت سیاسی بر اساس الگوی مردم‌سالاری دینی و سیاست خارجی مطلوب به همراه دیپلماسی فعال و موثر بر اساس گفتمان ضد سلطه در زمینه مولفه‌های سیاسی قدرت نرم از توانمندی بالایی در سطح منطقه خاورمیانه و جهان اسلام برخوردار است.

کلیدواژه‌ها

قدرت نرم، مولفه‌های سیاسی، جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی.

مقدمه

مفهوم و برداشت از قدرت، جایگاهی کانونی در علم سیاست و به‌ویژه روابط بین‌الملل داشته و در واقع پایه‌ای برای تحلیل‌های تشریحی و ارزشی در این عرصه به شمار می‌رود. با پایان یافتن جنگ سرد، رویکرد قدرت رابطه‌ای، رهیافت سنتی قدرت را با چالش مواجه کرد. قدرت رابطه‌ای به‌عنوان نوعی علیت توضیح داده می‌شود که در آن رفتار بازیگر «الف» موجب تغییر در رفتار بازیگر «ب» می‌گردد. تغییر رویکرد از مفهوم قدرت به‌عنوان منابع مادی، به قدرت به‌عنوان نوعی رابطه، موجب تحول در تحلیل‌های قدرت شد (Baldwin, 2003: 185). بنابراین مفاهیم قدرت آن چنان مفید بازتعریف می‌شود که برای شرایطی که دقیقاً تعیین شده‌اند، به‌کار روند. قدرت در مفهوم نوین به معنای امکان تاثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور دستیابی به نتیجه مطلوب است. کارایی هر منبع قدرت در وهله نخست به شرایط زمانی و مکانی بستگی دارد. منابع قدرت در طول زمان دستخوش تغییر می‌شوند. یکی از تحولات نظام جهانی، ایجاد تغییر در ماهیت و اشکال قدرت و ارتقاء تاثیرگذاری «قدرت نرم» بر «قدرت سخت» بوده است. امروزه «قدرت نرم» مفهومی نوین در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. هرچند قدرت نرم بنا به برخی تقسیم‌بندی‌ها در زمره قدرت‌های نامحسوس جای می‌گیرد، ولی از آنجا که هدف اصلی آن، مجذوب کردن قلوب و اذهان دیگران است، به مراتب از تاثیرگذاری عمیق‌تری در قیاس با قدرت سخت برخوردار است؛ چرا که در نگاه‌ها، ارزش‌ها، فهم دیگران و تعریف خود با طرف مقابل سر و کار دارد. در قرنی که شاخصه آن جهانی‌شدن اطلاعات و نیز پراکندگی قدرت در سطح بازیگرانی سوای دولت‌ها است، قدرت نرم به عنصری بیش از پیش مهم در راهبردهای قدرت مبدل خواهد شد.

از اوایل دهه ۱۹۹۰ نظریه‌ای در قالب قدرت نرم توسط جوزف نای مطرح شد. وی قدرت نرم را اعمال نفوذ بر دیگران به جهت تغییر رفتار بیان می‌کند. در نظام بین‌الملل امروز، بکارگیری قدرت نرم از ابزارهای تعیین‌کننده تحقق اهداف ملی و تامین‌کننده امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود. شرایط و موقعیت جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که ضرورت‌های حیاتی، امنیتی و آینده‌نگری آن ایجاب می‌کند که به هر دو نوع قدرت سخت و نرم توجه کند. اگرچه در خصوص منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بویژه منابع فرهنگی و تا حدی اقتصادی، پژوهش‌های درخور توجهی انجام شده است، اما بحث منابع و مولفه‌های سیاسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص مورد توجه پژوهشگران نبوده است. سوال اصلی مقاله حاضر

این است که منابع و مولفه های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ هدف نویسنده این است که جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در معادلات قدرت نرم در حوزه سیاسی مورد بررسی قرار دهد. فرضیه مقاله حاضر این است که جمهوری اسلامی ایران با داشتن منابع و مولفه هایی همچون ارزش های سیاسی مردم پسند (شامل خدامحوری، اخلاق و عدالت)، رهبری فره مند، مشروعیت سیاسی بر اساس الگوی مردم سالاری دینی و سیاست خارجی مطلوب به همراه دیپلماسی فعال و موثر بر اساس گفتمان ضد سلطه در زمینه مولفه های سیاسی قدرت نرم از توانمندی بالایی در سطح منطقه خاورمیانه و جهان اسلام برخوردار است. این مولفه ها پتانسیل ها و توانایی های ایران را به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام افزایش داده است.

۱. چارچوب نظری

قدرت و مشتقات آن، محور و جان مایه علوم سیاسی در گرایش ها و حوزه های مختلف تخصصی آن است. جوزف نای در این باره معتقد است: «قدرت در سیاست های بین الملل مانند آب و هواست که همه درباره آن حرف می زنند، اما عده کمی آنرا درک می کنند.» (Nye, 2002: 12) پدید آوردن آثار مطلوب (راسل، ۱۳۶۱: ۵۵)، سلطه انسان بر انسان (آرون، ۱۳۶۴: ۵۹۸)، توانایی فرد یا گروه در کسب تسلیم و اطاعت دیگران (گالبرایت، ۱۳۶۶: ۲۵۶)، کنترل رفتار دیگران (دال، ۱۳۶۴: ۹۶)، از جمله معادل های مفهومی واژه قدرت است. از این مفاهیم می توان چنین نتیجه گرفت که قدرت بیانگر رابطه طرفینی بین انسان هاست که یک طرف تاثیرگذار و طرف دیگر تاثیرپذیر است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۳).

قدرت از موضوعاتی است که همواره مورد توجه دولتها بوده است و دولت ها برای اینکه بتوانند بر دیگر بازیگران در عرصه روابط بین الملل اثر بگذارند و سیاست های آنها را تغییر دهند و به اهداف و منافع خود دست یابند، به نقش قدرت توجه ویژه ای داشته اند. دولت ها در گذشته برای به دست آوردن اهداف و منافع خود به اعمال قدرت سخت در قالب توانایی های نظامی و اقتصادی مباردت می ورزیدند. قدرت سخت در کاربرد ابزارهای نظامی، بکار بردن زور، بازدارندگی، تهدید و ارباب، جنگ و سیاست زورمدارانه جلوه می کند و همچنین در اعمال قدرت اقتصادی، فشار مالی، تحریم های اقتصادی، رشوه دادن، کمک های مالی، تشویق و تهدیدهای اقتصادی خود را نشان می دهد (هرسیچ، ۱۳۹۱: ۸۱). راهبردهای قدرت سخت بیشتر مبتنی بر مداخله نظامی،

دیپلماسی اجبار و اعمال تحریم‌های اقتصادی برای رسیدن به منافع ملی است (Campbell & Hanlon, 2006; Wagner, 2005). اما امروزه با توجه به انقلاب ارتباطات و همچنین اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی و نقش افکار عمومی در سیاست بین‌الملل، بکارگیری قدرت سخت، هزینه‌های زیادی را در پی دارد. بنابراین دولت‌ها می‌کوشند در سیاست خارجی خود، از قدرت نرم به منظور مقبولیت و پذیرش هرچه بیشتر و همچنین کاهش هزینه‌ها به واسطه مقاومت کمتر دیگران استفاده کنند.

رواج گفتمان قدرت نرم در مطالعات سیاسی و امنیتی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، به مثابه گشایش افق جدیدی در فهم و تبیین مسائل راهبردی، به‌ویژه در مطالعات بین‌الملل بوده و به اندیشمندان کمک نموده تا علل افول و برآمدن قدرت‌های بین‌المللی را در افقی فهم نموده و توضیح دهند. واقعیت‌های کنونی نشان‌دهنده آن است که تاکید صرف بر قدرت سخت در قدرت افکنی، موفقیت‌پذیری را در بر نداشته و نخواهد داشت. ترجمان این گفته، تبدیل قدرت سخت به قدرت نرم است.

مقوله قدرت نرم نخستین بار در چارچوب نظریه‌ای مستقل توسط جوزف نای در سال ۱۹۹۰ در باب تغییر ماهیت قدرت جهانی و بازبینی ماهیت و نتایج قدرت آمریکا مطرح شد (Nye, 1991: 25). از نظر نای این نوع قدرت را می‌توان چهره دوم قدرت نامید (Nye, 2003: 67). قدرت نرم توانایی به‌دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین جهت تحقق اهداف خود کسب کنیم. بنابر گفته جوزف نای قدرت نرم، توانایی دستیابی به اهداف و آمل مطلوب از طریق جلب حمایت افکار عمومی جامعه و نخبگان و اقناع اذهان به جای اعمال فشار است. این بعد متاخر از قدرت از منابع فرهنگ، عقاید و باورها و آداب و سنن اجتماعی نشأت می‌گیرد. این خود نتیجه پیشرفت چشمگیر فناوری اطلاعات در دوران جدید است که به رشد روزافزون ارتباطات منجر شده و مرزهای جغرافیایی را در نوردیده است. این نوع قدرت امروزه نقش مهمی در عرصه روابط بین‌الملل و مانور واحدهای سیاسی یافته است (Nye, 2007: 154). قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود، تاثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع خود کردن و مولفه‌های نظیر آن است (بیگی، ۱۳۸۸: ۳۰). قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب مقصود و هدف از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار و تطمیع. قدرت نرم از جذابیت فرهنگی، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۸۳).

بنابراین قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان حمایتی، کشور متخاصم را مورد هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. اینگونه تغییرات، معمولاً از زیرساخت‌های ارزشی و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، خصوصاً حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۲). قدرت نرم، محصول و برآیند تصویر سازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تاثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران می‌باشد.

امروزه این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نوعی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است بکار می‌رود. بنابراین می‌توان گفت که قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقناع است؛ در حالی که چهره زمخت و سخت قدرت از نوع وادار کردن و اجبار است. «جوزف نای» بر این عقیده است که: قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق جاذبه دارد و زمانی، یک کشور به قدرت نرم دست پیدا می‌کند که بتواند اطلاعات و دانایی را به‌منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آن‌ها امتیاز گیرد (نای، ۱۳۸۷: ۱۰).

مهمترین ویژگی قدرت نرم مردمی بودن آن است. به عبارت دیگر قدرت نرم زمانی می‌تواند تولید گفتمان سازگاری با افکار عمومی نماید که مستلزم قدرت سخت نباشد و بتواند به دور از محدودیت‌های قدرت سخت، در شرایط و فضای آزاد، تولید گفتمان محلی، منطقه‌ای و فراملی نماید و با سهولت پیام خود را به افکار عمومی جهانیان برساند. کاربرد قدرت نرم با همه خطر کمتری که از قدرت نظامی یا اقتصادی دارد، غالباً دشوار است، آسان از دست می‌رود و بازیافت آن نیز بی هزینه نیست (نای، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

قدرت نرم بر اعتبار و باورپذیری استوار است. در حوزه قدرت نرم ذهنیت اهداف اهمیت خاصی دارد. تمرکز بر حوزه ادراکی و احساسی یکی از ویژگی‌های قدرت نرم محسوب می‌شود. به این معنا که مخاطب و فرمانبر بنا بر اعتقادات و باورهای معین، خواسته‌های بازیگر صاحب قدرت را به انجام می‌رساند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۸). با وجود چنین رابطه‌ای میان فرمانبر و فرمانروا در فرایند قدرت نرم، مخاطب از روی رضایت مندی و نگاه مثبت و ضمن پذیرش قلبی، مثبت بودن محتوا یا نتایج عمل به خواسته‌های طرف صاحب قدرت، خواسته‌های یادشده را عملی می‌سازد.

جذب و ترغیب زمینه‌ای اجتماعی دارند و قدرت نرم ورزه ای است که محتاج شریک و همبازی است. با این اوصاف قدرت نرم در نگرشی جامع و کلان عبارت است از: هرگونه اقدام غیر خشونت آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می‌شود که با الگوهای رفتاری موردنظر حاکم تعارض دارد و از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ایده‌های سیاسی صورت می‌گیرد. شکل‌گیری قدرت نرم فراگردی بسیار کند و زمان بر است و ایجاد آن در کوتاه مدت ممکن نخواهد بود. به همین دلیل هنگام روی دادن بحران‌های بین‌المللی که منافع ملی کشور به خطر می‌افتد، زمان آزمون بزرگ میزان قدرت نرم آن کشور در صحنه میان کشوری فرا می‌رسد.

در یک جمع‌بندی با توجه به سازمان معنایی، ابعاد، شاخصه‌ها و منابع در نظریه قدرت نرم، می‌توان استنباط کرد که اصولاً فرایند پیدایش تهدید در نظریه قدرت نرم ناقص خواهد بود؛ زیرا براساس دیدگاه‌های نای، تزویر و دروغ و فریبکاری نمی‌توانند در قدرت نرم جایگاهی داشته باشند و اصولاً قدرت نرم باید از طریق استدلال، رضایت و اقناع منتقل شود. هم‌چنین قدرت نرم تبلیغ یا عملیات روانی نیست. بنابراین تهدید که یک سمت آن اقدامات گفتاری یا رفتاری خصمانه و تهدیدکننده دست کم در مرحله نیت است، شکل نخواهد گرفت، زیرا شکل‌گیری قدرت نرم با اقدامات گفتاری یا رفتاری خصمانه منافات دارد. اما سمت دیگر تهدید که قضاوت بازیگر مقابل است، می‌تواند شکل گیرد و چنین بازیگری از اقدامات گفتاری و رفتاری غیر خصمانه طرف مقابل احساس تهدید کند، به آن حساسیت و عکس‌العمل نشان دهد.

۲. منابع قدرت نرم

قدرت نرم مانند سایر اشکال قدرت، برآیندی از برخی منابع است. شناخت منابع و مولفه‌های این نوع قدرت به میزان زیادی تعیین کننده ماهیت آن قدرت می‌باشد. به گفته نای قدرت نرم هر کشور تا حد زیادی ریشه در سه منبع بنیادین دارد: فرهنگ (در نقاطی که برای دیگران نیز گیرا باشد)، ارزش‌های سیاسی (چنانچه خود در درون و بیرون به آن‌ها وفادار باشد) و سیاست خارجی (چنانچه دیگران آن را مشروع بدانند و مرجعیت اخلاقی آن را بپذیرند) (نای، ۱۳۹۳: ۱۲۳). در جای دیگر نای معتقد است که قدرت نرم در برگیرنده مولفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و هنری است. ارزش‌هایی نظیر مردم سالاری و حقوق بشر که دارای جذابیت‌های جهان شمول است از دیگر منابع قدرت نرم محسوب می‌شود. او اضافه می‌کند که قدرت نرم با توانایی‌های

علمی، فرهنگی و سیاست خارجی و داخلی مرتبط است (Nye, 1991: 32). شرایط جنبی و محیطی در نحوه تبدیل منابع بالقوه قدرت نرم به رفتاری گیرا و اثرگذار بر دیگران در راستای حصول نتایج دلخواه، نقش کلیدی دارند.

فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان مهمترین منبع قدرت نرم تلقی می‌شوند، تا جایی که در عرف بین‌الملل از واژه فرهنگ به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌گردد (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۶). بخش عمده از عوامل تولید کننده یا تقویت کننده قدرت نرم در یک واحد سیاسی، معطوف به حوزه فرهنگ و نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مانند زبان و ادبیات، موقعیت ایدئولوژیکی و مذهبی، ارزش‌های متعالی و انسانی، اخلاقیات، قدرت نفوذ، باورها و نگرش‌ها و به‌طور کلی منش ملی، روحیه ملی، باورها و ارزش‌های ملی است که جملگی در ذیل مقوله فرهنگ جای می‌گیرد. از سویی دستگاه سیاست خارجی کشورها هنگام تصمیم‌گیری عمدتاً بر اساس ترجیحات و اولویت‌های فرهنگی، عمل می‌کند؛ در نتیجه میزان ظرفیت موجود در انگاره‌های فرهنگی می‌تواند جذابیت خاصی را در افکار عمومی جهان ایجاد نموده و از طریق دستگاه سیاست خارجی می‌تواند اهداف و منافع ملی خود را بدون کاربرد زور با کمترین هزینه تعقیب نماید (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۶). به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ به صورت غیرمستقیم بر منابع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. به هر حال قدرت نرم با منابع نامحسوس چون فرهنگ ارتباط دارد. در این میان هر چقدر که یک فرهنگ از قدرت اشاعه فزون تری برخوردار باشد، قدرتمندتر تلقی می‌شود.

یکی دیگر از منابع تولید کننده یا تقویت کننده قدرت نرم یک کشور منابع سیاسی است که در این پژوهش نویسنده به طور خاص به آن می‌پردازد. به‌طور کلی می‌توان منابع سیاسی را به سه مؤلفه ارزش‌های سیاسی، سیاست داخلی و سیاست خارجی تقسیم کرد. جذابیت ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی یک کشور از مؤلفه‌های مهم سیاسی قدرت نرم می‌باشد. این مهم می‌تواند در ارائه تصویر سازی مثبت و مطلوب از یک کشور در سطح افکار عمومی جهان موثر واقع گردد (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۴). به‌طور کلی ارزش‌های سیاسی یک کشور می‌تواند دیگران را نسبت به آن جذب و یا دفع نماید. آنچه در این مؤلفه حائز اهمیت است میزان همسویی ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی یک کشور با جامعه بین‌المللی است. همچنین میزان توانایی این ارزش‌های سیاسی در ساختن رژیم‌های حقوقی و قانونی بین‌المللی است که تا چه اندازه توانسته مطلوبیت‌های خود را جهانی و تبدیل به قوانین و مقررات بین‌المللی نماید.

ارزش‌های سیاسی عبارتند از: هنجارهای آرمانی شده از لحاظ سازماندهی و عملکرد نظام سیاسی و منظور از ایستارهای سیاسی، جهت‌گیری‌های افراد به سوی فرایند سیاسی است و همچنین مراد از رفتار سیاسی شیوه‌ای است که طی آن افراد و گروه‌ها، ارزش‌ها و ایستارهای خویش را در وضعیت‌های بسیار غنی به کار می‌گیرند. به گفته برخی از نویسندگان ارزش‌های مثبت سیاسی یک کشور به‌عنوان مثال پاسخگو بودن به مردم، رعایت اخلاق و اجرای عدالت نمونه‌هایی از منابع قدرت نرم به حساب می‌آیند (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۱).

از جمله مولفه‌های دیگر منابع سیاسی قدرت نرم، سیاست داخلی است که در قالب شاخص‌هایی مانند رهبری فره مند (مشروع و مقبول در داخل و خارج) و مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی و به تبع آن توانایی یک کشور در ارائه الگوی نظام سیاسی موفق و مورد قبول در سطح بین‌المللی نمود پیدا می‌کند. هرچه مشروعیت رهبری و نظام سیاسی یک کشور در اذهان و افکار عمومی جهان افزایش یابد، میزان همکاری‌های بین‌المللی به تناسب توسعه خواهد یافت، زیرا واحدهای سیاسی، تنها از طریق همکاری، مناسبات و مبادلات فرهنگی است که منافع و اهداف یک کشور را مورد شناسایی قرار می‌دهند. میزان مشارکت‌های مردمی در انتخابات‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و راهپیمایی‌ها، میزان بالای اعتماد مردم نسبت به دولت و سیاست‌های آن و به تبع آن حمایت و پشتیبانی مردم از سیاست‌های دولت، نشانگر میزان مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی است، که به سهم خود، تاثیر زیادی در نگرش افکار عمومی جهان داشته است. مشروعیت و کارآمدی یک نظام سیاسی در داخل و موفقیت آن در ارائه الگو و مدلی از توسعه سیاسی مورد قبول در سطح بین‌المللی می‌تواند به ارتقای میزان قدرت نرم یک کشور در عرصه بین‌المللی منجر شود.

و در نهایت قدرت نرم در قالب الگوهای رفتاری دولت‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل از طریق سیاست خارجی و شیوه‌های تبیین منافع ملی تجلی می‌یابد. در همین راستا دیپلماسی و رفتار دیپلماتیک یک کشور می‌تواند از شاخص‌های مولفه سیاسی قدرت نرم و به تبع آن زاینده این نوع قدرت به حساب آید. دولت‌ها در عرصه سیاست جهانی دارای زبان دیپلماتیک گوناگون در تعاملات خویش با دیگران هستند. «هر حکومتی که تعاملات و مناسباتش در عرصه بین‌الملل با نهادهای دیگر سنجیده تر باشد و به دیپلماسی عمومی که نوعاً با اخلاق همراه است، همراه تر باشد قدرت نرم آن کشور افزایش می‌یابد.» (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۱) دیپلماسی همچنین

از طریق پیوند با فرهنگ یعنی یکی دیگر از مؤلفه های قدرت نرم نیز می تواند در قالب «دیپلماسی فرهنگی» به ارتقاء قدرت نرم یک کشور بیانجامد.

پس در مجموع می توان عناصر سیاسی قدرت نرم را به این صورت بر شمرد: ارزش های سیاسی، مدل و شکل نظام سیاسی، مشروعیت (شامل کارآمدی دولت، مقبولیت و اعتماد ملی) و سیاست خارجی مطلوب و مردم پسند و البته دیپلماسی فعال و موثر برای اجرای آن.

هرچند نای در تعریف منابع قدرت عمدتاً به منابع فرهنگی و سیاسی تاکید داشته است اما باید گفت سرچشمه قدرت نرم تنها فرهنگ، ارزش ها و سیاست ها نیستند. در آثار نای بویژه کتاب «آینده قدرت» می توان به صورت پراکنده منابع دیگری نیز از جمله منابع اجتماعی، منابع اقتصادی، منابع سایبری و حتی منابع نظامی زاینده قدرت نرم را نیز استخراج کرد. منابع اجتماعی شامل مؤلفه هایی نظیر امنیت اجتماعی، اتحاد و انسجام اجتماعی، عدالت اجتماعی، روحیه ملی، ویژگی های ملی، توان و جایگاه علمی یک کشور، ورزش و غیره می توانند در ارتقای قدرت نرم یک کشور نقش مهمی داشته باشند. منابع اقتصادی نیز می توانند زاینده رفتارهایی قدرت مدار باشند- از گونه سخت و نرم- هم برای فشار و هم برای جذب. مؤلفه هایی نظیر رشد و رفاه اقتصادی، تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، سطح بالای زندگی، عدالت اقتصادی، کاهش بیکاری، میزان جذب سرمایه گذاری خارجی و امثال آن می تواند برای ناظران بیرونی منشاء اعتبار، اقتدار و گیرایی باشد و به تبع آن میزان قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. رهبران اروپایی اشتیاق دیگر کشورها برای پیوستن به اتحادیه اروپا را نشانه قدرت نرم اروپا می دانند (نای، ۱۳۹۳: ۱۲۴). نای قدرت سایبر را نیز از جمله شاخص های قدرت نرم به حساب می آورد. از نظر او قدرت سایبر یعنی «مجموعه منابع مرتبط با پایداری، کنترل و پیوند میان اطلاعات الکترونیک و رایانه بنیاد-زیرساخت، شبکه ها، نرم افزار، مهارت های انسانی» یا «توانایی اخذ نتایج دلخواه با بهره گیری از منابع اطلاعاتی سایبری هم پیوند از طریق الکترونیک». این نوع قدرت اگر به منظور جمع آوری و تولید اطلاعات، گسترش ارزش ها و هنجارها و اجرای برنامه دیپلماسی عمومی مورد استفاده قرار گیرد، می تواند زاینده قدرت نرم باشد و در صورتی که به منظور حملات سایبری، سانسور، فیلترینگ و امثال آن بکار گرفته شود، می تواند زاینده قدرت سخت باشد (نای، ۱۳۹۳: ۱۶۹-۱۸۰).

به گفته نای حتی منابع نظامی نیز گاهی دستی در قدرت نرم دارند؛ به گفته نای ارتشی با سامان شایسته، خود می تواند منشاء گیرایی باشد (نای، ۱۳۹۳: ۱۲۶). همکاری میان ارتش ها و

بسط برنامه‌های آموزش نظامی با ایجاد شبکه‌هایی فراملیتی، قدرت نرم کشورها را تقویت می‌کنند. همچنین استفاده نادرست از منابع نظامی می‌تواند به معنای رنگ باختن قدرت نرم باشد و ثمره بی‌اعتنایی به اصول تناسب و تمایز در جنگ عادلانه نیز زوال مشروعیت خواهد بود. شیوه‌ای که از طریق آن منابع و مولفه‌های مذکور به قدرت نرم یک کشور تبدیل می‌شود، افزایش اعتبار است. اعتبار منشاء تعیین کننده و منبع بااهمیت قدرت نرم محسوب می‌شود. شهرت اهمیتی بیشتر از گذشته پیدا کرده است و مبارزات سیاسی اغلب بر سر ایجاد و از بین بردن اعتبار رخ می‌دهد. دولت‌ها نه تنها با دیگر دولت‌ها بر سر اعتبار رقابت می‌کنند، بلکه این کار را با بهره‌گیری از گستره‌ای وسیع از بدیل‌های مختلف، شامل رسانه‌های خبری و شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی و شبکه‌های مجامع علمی انجام می‌دهند. سیاست به عرصه مبارزه میان اعتبارهای رقیب تبدیل شده است. در جهان سیاست سنتی معمولاً بحث بر سر این است که کدام نیروی نظامی یا نظام اقتصادی پیروز می‌شود، اما دولت‌ها در عصر اطلاعات با یکدیگر و با دیگر سازمان‌ها به‌منظور افزایش اعتبار خود و تضعیف اعتبار دشمنان شان به رقابت می‌پردازند. هرچند شهرت و معروفیت همواره در جهان سیاست با اهمیت بوده است، اما به‌دلیل آنچه تناقض نمای فراوانی (اطلاعات) نامیده می‌شود، اعتبار نقش مهمتری به‌عنوان منشاء قدرت یافته است. اطلاعاتی که تبلیغات به نظر می‌رسد ممکن است نه تنها بی ارزش شمرده شود بلکه در صورتی که موجب کاهش شهرت کشوری از لحاظ اعتبار شود زیانبخش نیز تلقی گردد.

۳. مولفه‌های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

در ایران سرچشمه عمده قدرت نرم، از ایمان به جمهوری اسلامی و ارزش‌های مسلط در جامعه نشات می‌گیرد. به اعتراف ناظران، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظام برآمده از آن نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در سایر کشورها هم تاثیرگذار بوده است. از سوی دیگر با توجه به آنکه انقلاب اسلامی ایران مولود قدرت نرم است در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، جمهوری اسلامی ایران می‌باید در جهان اسلام الهام‌بخش، فعال و موثر باشد و با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای - بر اساس تعالیم و اندیشه‌های امام خمینی (ره) - تاثیر بگذارد. به همین منظور، از آنجا که ایران با کشورهای خاورمیانه و جهان اسلام روابط فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی دیرینه دارد، می‌تواند با بهره‌گیری از قدرت نرم خود به خواسته‌های خود برسد و با

ارتقای قدرت نرم خود و تقویت مؤلفه های آن به منافع ملی نیز دست یابد (بیگی، ۱۳۸۸: ۲۵؛ پوراحمدی، ۱۳۸۹؛ حجازی، ۱۳۹۱).

انقلاب اسلامی با ماهیت اسلامی، عامل بسیج کننده مردم متدین ایران و رهبری الهی بوده است. در این راستا ایدئولوژی اسلامی عاملی جهت دهنده برای خدا، معنویت و ارزش های اسلامی بوده که خود عاملی الهام بخش برای رهایی دیگر ملل بوده است. بنابراین قدرت نرم انقلاب اسلامی نه تنها در سطح داخلی با رهبری جاذبه آفرین و فره مند امام خمینی (ره)، مردم را به پذیرش انقلاب اسلامی ترغیب نمود، بلکه در سطح منطقه ای و بین المللی نیز آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی، پیام جذاب اسلامی آن، عامل راهگشای رهایی ملل از زیر یوغ استبداد و استکبار جهانی می گردد. با توجه به تمرکز مقاله بر مؤلفه های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی در ذیل مطلب در قالب ۴ مؤلفه به آنها می پردازیم:

۱-۳. ارزش های سیاسی

شاید مهمترین ارزش سیاسی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران خدامحوری است. یکی از اموری که باعث تقویت قدرت نرم می گردد، تکیه بر قدرت لایزال الهی یا خدا محوری است. ایرانیان تکیه بر قدرت لایزال الهی را مهمترین نماد و اصل اعتقادی خود می دانند. آن ها به هنگام ورود اسلام، پیرو دین زرتشت بوده و معتقد به خدای یگانه بودند. ایرانیان از دوران قبل از اسلام تا به حال با تکیه بر دو پشتوانه مستحکم یعنی ملیت و تدین که در راس آن توحید است توانسته اند عوامل اتحاد ساز را در نظام و جامعه بین تمامی اقشار به وجود آورند (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۱۵).

انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی برای خدا و با هدف اجرای احکام الهی و ارزش های توحیدی و حاکمیت توحیدی بنا گشت و حاکمیت مطلق خداوند را در تمامی برنامه های خود به عنوان یک اصل قبول نمود و از آن به عنوان محرک در رسیدن به اهداف الهی استفاده نمود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مواردی آورده شده که حاکی از پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان ها می باشد و لزوم تسلیم در برابر امر خداوند را لازم شمرده است. از این رو همه سیاستهای جمهوری اسلامی مبتنی بر حاکمیت خدا بر هستی شکل گرفته است. اصل ۲ و اصل ۵۶ به این امر دلالت دارد.

اخلاق ارزش سیاسی دیگری است که می تواند به افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران منجر شود. جمهوری اسلامی ایران با توجه به هویت اسلامی و شیعی خود ائمه معصومین (ع) را الگوی خود قرار داده و سیره اخلاقی آنها را جزء لاینفک برنامه ریزی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

خود می‌داند. بر خلاف آنچه در رژیم قبلی و یا در کشورهای غربی وجود دارد، در جمهوری اسلامی ایران رعایت اصول اخلاقی یک ارزش محسوب می‌شود و در سیاست‌های کلی به بحث تقویت فضایل اخلاقی و ایمان در کنار مولفه‌هایی مثل روحیه ایثار و امید به آینده آورده شده است که این امر حاکی از بها دادن به ارزش‌های والای اخلاقی در کنار دیگر امور مثل سیاست و اقتصاد و ... دارد. رعایت اخلاق در اصول ۳، ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ آورده شده که بر اصولی مانند اصل برائت، منع شکنجه، آزادی عقیده، ترک هتک حرمت و عدم تجاوز به حقوق دیگران تاکید شده است.

اشاعه فضیلت‌های اخلاقی در جامعه مانند هوای لطیفی است که زمینه زندگی سالم را فراهم آورده و انسان‌ها را از حرص، جهالت، دنیاطلبی و سوء ظن به یکدیگر باز می‌دارد. بر مبنای همین دلیل در اسلام تزکیه و رشد اخلاقی بر دیگر امور مقدم است. شکل‌گیری و استدامه حرکت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول اخلاقی بوده و به‌طور حتم با روش غیراخلاقی نمی‌توان پاسدار حقیقت بود. اگر امروزه جمهوری اسلامی ایران ماندگار شده و برای دیگران الگو شده به این خاطر بوده است که سعی کرده است، حرف اسلام را به زبان آورد و تابع محض اصول اسلامی باشد. جمهوری اسلامی ایران خوب می‌داند که قدرت و اقتدارش در اجرای اصول اخلاقی اسلامی است.

یکی دیگر از مهمترین ارزش‌های سیاسی که نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت اسلامی واجد، حافظ و مروج آن است، عدالت است. جمهوری اسلامی ایران با گفتمان عدالت شکل گرفت و قانون اساسی بر همان مبنا استوار گردید. عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از گفتمان‌های اصلی انقلاب محسوب می‌شود که امام خمینی (ره) ارائه دادند. حضرت امام در مورد هدف غایی انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم عدالت اسلامی در این مملکت برقرار کنیم... اسلامی که عدالت محور باشد، اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد...» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰: ۲۴)

عدالت طلبی همواره ریشه در فرهنگ و تمدن ایرانی داشته و اسلام شیعی آن را تقویت کرده است. عدالت یکی از ارزش‌های جامعه ایران پیش از گرویدن ایرانیان به دین مبین اسلام بوده است، به گونه‌ای که عدالت طلبی یکی از عناصر قوام بخش هویت ایرانی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۲۴۴). عدالت در برگزیده و متضمن سایر ارزش‌ها و فضایل انسانی و اجتماعی نیز هست. بنابراین دولتی که به‌عنوان الگو در داخل باید ایجاد گردد و الهام بخش دیگران باشد، «حکومت

عدل اسلامی» است. اهمیت این ارزش و اصل به اندازه‌ای است که رهبر انقلاب اسلامی آن را شاخص سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌داند.

شاخص‌های عدالت در دهه ۱۳۶۰ (دوران دفاع مقدس)، با آنچه در «دوران سازندگی» (دهه ۱۳۷۰)، دوران تعامل سازنده و گفتگوی تمدن‌ها (دوران ریاست جمهوری خاتمی) و دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد (عدالت اقتصادی) به وجود آمده، کاملاً متفاوت است. در هر یک از دوره‌های مختلف حیات جمهوری اسلامی ایران، جلوه‌هایی از عدالت‌گرایی وجود داشته است. همانطور که یک از نویسندگان گفته است: تحولات مربوط به تاریخ و ساختار سیاسی انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که عدالت‌گرایی در دوران پس از انقلاب اسلامی شکل بندی و نشانه‌های متفاوتی داشته است (Hopf, 1998: 172). ارائه و معرفی الگوی عدل اسلامی به صورت مسالمت آمیز از طریق گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به سه طریق الهام بخشی انقلاب اسلامی را تامین می‌کنند:

الف) ایجاد و استقرار یک دولت عادل و جامعه الگوی اسلامی که زمینه ساز تشکیل جامعه جهانی اسلامی تحت حاکمیت دولت مهدوی خواهد بود؛

ب) گسترش ارزش‌های دولت اسلامی در زمینه عدالت‌خواهی و سلطه ستیزی و صدور الگوی مقاومت جمهوری اسلامی ایران به اردوگاه سلطه ستیزان (لبنان و فلسطین)؛

ج) فراگیر شدن فرهنگ و گفتمان مقاومت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی که به معنای گسترش حوزه نفوذ و دامنه منافع و قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران به فراسوی محیط پیرامونی آن می‌باشد (فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

۲-۳. جاذبه رهبری؛ ولایت فقیه

پیروی و اطاعت مردم و دولت از رهبری با توجه به اعتقادات و باور قلبی سبب بالارفتن مشروعیت دینی و سیاسی انقلاب و خنثی سازی جنگ روانی و تبلیغاتی دشمنان می‌شود؛ چرا که فی نفسه بزرگترین و موثرترین قدرت نرم انقلاب و پرچمدار هدایت در وحدت و یکپارچگی جامعه به منظور جلوگیری از نفوذ دشمن و مدیریت بحران‌های داخلی و خارجی موثر و غیرقابل انکار به شمار می‌آید. در حقیقت در جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه رکن اصلی حکومت اسلامی بوده و عامل گذر از فتنه‌ها و اتحاد در کشور می‌باشد و تقویت این جایگاه و تبعیت از ولایت فقیه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران رهبری عامل بیداری و جوشش توده‌ها و محور وحدت و انسجام مردم و

به‌عنوان عاملی در راستای قدرت نرم کشور به حساب می‌آید. ترسیم سیاست‌های کلی نظام و اتخاذ تدابیر و موضع‌گیری‌های قاطعانه، سازش ناپذیری در برابر توطئه‌ها و دشمن‌شناسی از ویژگی‌های برجسته رهبری انقلاب اسلامی است (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۱۰۳). مدیریت رهبری انقلاب اسلامی در حوادث پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ از موضوعات جالب و درخور توجه در این زمینه است. ایشان با بهره‌گیری از جایگاه ولایت فقیه و با استفاده از ظرفیت‌های موجود به روشنگری در این زمینه پرداخته‌اند.

بر اساس مبانی اسلام، نقش ولی فقیه به‌عنوان قدرت نرم در انقلاب اسلامی برجسته است. اعتقاد به وجود ولی فقیه در راس حکومت برآیند استدلال عقلی و نقلی مبانی شیعه است؛ از کارکردهای ولی فقیه عبارتند از: (۱) مشروعیت بخشی نظام اسلامی؛ (۲) حل‌کننده مشکلات، چالش‌ها و بحران‌های دولت و ملت؛ (۳) بیان‌کننده حقیقت به مردم و دولتمردان و برملا کردن توطئه دشمن؛ (۴) برطرف نمودن یاس و ناامیدی از مردم و مسؤولان و تشویق جامعه به امید؛ (۵) پاسداری از تمامیت انقلاب در مقابل توطئه‌های دشمن و (۶) مایه الفت در اختلافات سیاسی که موجب تفرقه می‌شود (متقی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

۳-۳. مشروعیت نظام سیاسی؛ الگوی مردم‌سالاری دینی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با حضور گسترده مردم روی داد و در واقع یکی از مردمی‌ترین انقلاب‌های تاریخ به شمار می‌آید، شرایط برای مشارکت سیاسی مردم به‌عنوان یکی از خواسته‌های مهم تاریخی آنان آماده گردید. رهبری انقلاب، امام خمینی (ره)، همواره در خصوص نقش مردم در تعیین سرنوشت خود تأکید می‌نمود. در عین حال باید توجه داشت که وظیفه و مأموریت جمهوری اسلامی تنها ایجاد یک جامعه و دولت الگوی اسلامی در درون ایران نیست، بلکه رسالت و مسؤولیت بزرگتر و مهمتر معرفی و ترویج الگوی دولت توسعه یافته عدل اسلامی به سایر ملت‌ها و کشورهاست؛ زیرا حکومت اسلامی، مانند خود دین اسلام فراگیر و جهانشمول است و به جغرافیا و ملت و نژاد خاصی محدود و منحصر نمی‌شود. بنابراین جمهوری اسلامی که الهام بخش سایر ملت‌ها و کشورها برای برپایی و ایجاد جامعه و دولت مشابه خواهد شد. دولت جمهوری اسلامی بر خلاف دولت-ملت مدرن که ماهیتی سکولار و عرفی دارد و بر پایه ملی‌گرایی استوار شده است، ماهیتی اسلامی داشته که ایدئولوژی مشروعیت بخش آن اسلام شیعی است. مهمترین ویژگی و عنصر هویت بخش این نظام سیاسی که مشروعیت خود را از دین اسلام کسب می‌کند، اسلامی بودن آن است (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

ایران از جمله محدود کشورهای منطقه است که در آن انتخابات (با مشارکت بالای مردمی) برگزار می شود و نظامی مردم سالار بر آن حاکم است (یک رابطه مبتنی بر اعتماد متقابل میان دولت و مردم حاکم است) و در همین راستا می تواند با شعار مردم سالاری دینی الگو و مدل جدیدی در اختیار کشورهای اسلامی منطقه قرار دهد. این مدل توسعه سیاسی در صورت کارآمدی می تواند الگو باشد و دیگران را جذب کند (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۲).

علاوه بر مشارکت اجتماعی و فعال مردم در فرایند تصمیم گیری و انتخاب رهبران سیاسی و اجتماعی خود در انتخابات مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و انتخابات شوراها نباید نقش مهم و حمایتی مردم در مصونیت نظام جمهوری اسلامی از انواع تهدیدها و تحریم های سخت افزاری و نرم افزاری استکبار جهانی و اذتاب آن غفلت نمود. حوادث و وقایع بعد از انقلاب اسلامی که سرشار از توطئه های گوناگون، همچون کودتاهای نافرجام، شورش های قومی با محرک خارجی، ترورها و در راس آنها جنگ تحمیلی هشت ساله بود، تنها و تنها عامل خنثی سازی همه این توطئه ها حمایت توده های ملت حاضر در صحنه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده است. هیچ نظامی بدون حمایت مردمی نمی تواند در مقابل دشمن داخلی و یا خارجی پایدار بماند. یکی از اصلی ترین مؤلفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی حمایت قاطعانه مردمی بوده است که توانست کسری های ناشی از قدرت سخت و نیمه سخت نظام را جبران کند.

از این رو الهام بخشی توسعه کارآمد ایرانی در حوزه سیاسی می تواند قدرت نرم ایران را در منطقه و جهان اسلام ارتقاء بخشد. در سیاست داخلی مشروعیت نظام سیاسی و افزایش اعتماد مردم به مسؤولین اصلی ترین کاربرد قدرت نرم خواهد بود و در سیاست خارجی افزایش اعتبار بین المللی و همراهی دیگر ملت ها گامی در راستای دستیابی ساده تر به سیاست های خارجی خواهد بود.

با استقرار نظام اسلام سیاسی و الگوی حکومت اسلامی در ایران روزنه های امید در دل مسلمانان به وجود آمد. مدل موفق حکومت اسلامی در ایران پس از انقلاب و بعد از گذراندن روزهای سخت، امروزه در سطح جهان به عنوان یک مدل حکومتی مطرح است. امروزه در هر کشور مسلمانی که انقلاب می شود و یا حکومتی ساقط می گردد، اولین گزینه برای تشکیل نظام، حکومت مبتنی بر اسلام است. این امر بدون تاثیر از انقلاب ایران نبوده و لذا با توجه به جنبش ها

و انقلاب‌هایی که در منطقه رخ داده است، خود کشورهای غربی اذعان دارند که خاستگاه این انقلاب‌ها اسلام است و انقلاب ایران این خاستگاه، یعنی اسلام را بین مردم زنده نگه نموده است.

۳-۴. سیاست خارجی

شاید بتوان عمده ترین و مهمترین طرح جمهوری اسلامی ایران را در زمینه سیاست خارجی معنویت‌گرایی و مردم‌محوری دانست. چنین‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برآمده از بنیاد ایدئولوژیک آن بوده و پیامد ذاتی آن نیز می‌باشد. در واقع مهمترین ایده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سرشت اسلامی و انقلابی است که در تار و پود آن تنیده شده و در برنامه‌ها و رفتار آن نمایان است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای آموزه‌های اسلامی بر اصولی همچون نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب، همچنین دفاع از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین و ارزش‌های فرهنگی استوار است.

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مظهر قدرت نرم در دو مقوله سیاست‌ایجابی و سلبی قابل بحث است. در سیاست سلبی خط قرمزهایی وجود دارد که هر یک از آنها به نظام سیاسی اقتدار می‌بخشد که از آن جمله می‌توان به استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی و نفی سبیل اشاره کرد و در بعد ایجابی دعوت و همکاری و انعطاف‌پذیری مطرح است. گسترش فرهنگ اسلامی از اهداف مهم نظام سیاسی در عرصه داخلی و بین‌المللی است که این امر در قالب دعوت و تبلیغ صورت می‌پذیرد (جعفری‌پناه و پوراحمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). انقلاب اسلامی با دستاوردهای منحصر به فردی همچون بیداری اسلامی، مطرح کردن ژئوپلیتیک جهان اسلام می‌تواند تأثیرات مهمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. انقلاب اسلامی ایران با طرح شعار نه شرقی نه غربی از بازیگران مستقل خاورمیانه است و از این نظر می‌تواند الگویی برای ملت‌های منطقه باشد که می‌خواهند از زیر سلطه حکومت‌های دست‌نشانده بیرون آیند و مستقل باشند.

در حقیقت جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان‌ها و قانون اساسی که مبنای عمل سیاسی در داخل و خارج کشور قرار گرفته است، حدودی را مشخص کرده که به رغم تعامل با دنیای خارج می‌باید برای حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی و جلوگیری از شکل‌گیری راه‌های نفوذ و سلطه استکبار غرب و شرق به حفظ هویت خود پردازد. در اینجا ما شاهد تضاد میان گفتمان انقلاب اسلامی و لیبرال‌دمکراسی غرب هستیم. این دو گفتمان، هم در هویت و

ساختار معنایی و هم در ساختار منافع ناشی از این هویت‌ها با یکدیگر تعارض‌هایی دارند. با این حال امروزه، جمهوری اسلامی ایران با استفاده از الگوی انقلاب اسلامی به دنبال ایجاد تعامل با کشورهای غیر معارض مانند چین و روسیه و غیره و کشورهای دوست مانند عراق و سوریه و ... و نیز سایر کشورهای اسلامی به رغم رقابت و حمایت برخی از آن‌ها از غرب مانند ترکیه، عربستان و غیره است و از سوی دیگر درصدد ایجاد توازن قوا با غرب به وسیله توسعه اقتصادی، سیاسی و نظامی خود است تا به جای اجبار به تغییر ساختار هویتی خود، به تثبیت خود در ساختار ژئوپلیتیکی منطقه ای و جهانی بپردازد (متقی و رشیدی، ۱۳۹۲: ۹۶).

در دوران پس از انقلاب، پیگیری آرمان‌های اسلامی در سیاست خارجی به ویژه در حوزه جهان اسلام و در مسائلی مانند مخالفت با اسرائیل، باعث شده تا بسیاری از روشنفکران و نخبگان و مردم کشورهای اسلامی با جمهوری اسلامی و آرمان‌های آن همراهی کنند. از این رو می‌توان گفت ایران به واسطه رسمیت یافتن اهداف و احکام اسلامی در آن تا حد زیادی توانایی الهام بخشی و جذب دیگر کشورهای اسلامی را یافته است (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹).

تنظیم دستور کار و ساماندهی به وضعیت سیاست جهان به گفته نای یکی از وجوه قدرت و از مهمترین توانایی‌ها در زمینه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی به شمار می‌رود (نای، ۱۳۹۳: ۳۷). جمهوری اسلامی تاکنون توانسته است در مواردی بر دستورالعمل سیاست جهانی و روابط بین‌المللی یا منطقه‌ای تاثیرهای مهمی برجای بگذارد. برای نمونه ایران با مطرح کردن مساله «مقاومت» در برابری اشغالگری و تجاوزگری رژیم صهیونیستی، آن را به گفتمان عمومی مردم خاورمیانه تبدیل کرده و توانسته روند برنامه سازش در منطقه را که آمریکا از آن حمایت می‌کند، متوقف یا مخدوش کند. ابتکار روز قدس از سوی امام خمینی (ره) نیز باعث زنده نگه داشتن یاد فلسطین به‌عنوان مساله اصلی و مشترک همه مسلمانان در سراسر جهان اسلام و فراتر از آن شده است (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۵).

با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران، دین جایگاه اصلی خود را در معادلات بین‌المللی پیدا کرد و بر این مبنا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل «نه شرقی نه غربی» استوار گردید که علاوه بر شکستن ابهت استکبار جهانی و قطع دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورهای مستضعف، پیام ثالثی را به جهانیان عرضه کرد که بر استقرار و اجرای عدالت و آموزه‌های الهی، تکیه بر آزادی توأم با مسؤولیت انسان در برابر خداوند، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی، مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، تامین حقوق همه جانبه

مستضعفان و مظلومان جهان، قوت بخشیدن به قدرت اسلام و مسلمانان، گسترش فرهنگ اسلامی و اعتقادات معنوی در سراسر جهان و تحکیم وحدت امت اسلامی در جهت استقرار عدالت و نفی سلطه قدرت‌های استکباری تاکید می‌کرد.

هنجارسازی به وسیله نواندیشی در عرصه سیاست خارجی و سطح جهان اسلام می‌تواند زمینه‌های اقتدار جمهوری اسلامی ایران، صدور ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی- ایرانی، همسویی افکار عمومی بین‌المللی، صیانت از ارزش‌های ملی- میهنی، تولید ارزش‌ها و حفظ آن‌ها را فراهم آورد که هر کدام از آن‌ها از زیربناهای تشکیل قدرت نرم محسوب می‌شوند. گفتمان مقاومت، ظلم ستیزی و عدالت‌گرایی نمونه‌هایی از نواندیشی‌های جمهوری اسلامی ایران هستند که با تولید هنجار در سطح منطقه، جهان اسلام و حتی در سطح جهانی بر توانمندی نرم ایران افزوده‌اند.

تلاش در راستای اشاعه ارزش‌های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی، به نوبه خود باعث بالا رفتن میزان قدرت نرم و به تبع آن افزایش ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان‌تر شدن دستیابی به اهداف ملی آن می‌شود.

با توجه به آنچه بیان گردید مولفه‌هایی همچون ارزش‌های سیاسی شامل خدامحوری، اخلاق و عدالت، جاذبه رهبری (ولایت فقیه)، مشروعیت نظام سیاسی و ارائه مدل و الگوی مردم‌سالاری دینی در بین کشورهای منطقه و جهان اسلام و مطلوبیت‌های سیاست خارجی از جمله ارتقای بیداری اسلامی، روی کار آمدن نیروی سوم در معادلات بین‌المللی، علنی کردن مبارزه با استکبار و صهیونیسم، زنده کردن اسلام سیاسی، به چالش کشیدن هژمونی و سلطه غرب و مطرح کردن وحدت بین کشورهای اسلامی جستجو نمود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله آورده شد جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاسی از شاخص‌های قدرت نرم شامل سه مولفه ارزش‌های سیاسی، سیاست داخلی و سیاست خارجی برخوردار است. جمهوری اسلامی با تکیه بر هر یک از مولفه‌های سیاسی قدرت نرم توانسته است ضمن ایجاد تحول در سطح داخلی، به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تاثیرگذاری بر مناسبات جهانی دست یابد و اقتدار نرم‌افزاری خود را در عرصه

بین‌المللی به منصفه ظهور رساند. قدرت نرم به مثابه بعد معنوی قدرت کشورها، هزینه‌های اعمال قدرت کشورها در عرصه داخلی و جهانی را کاهش می‌دهد.

در شرایط کنونی یعنی در عصر اطلاعات بهره‌گیری از جریان‌های اطلاعاتی به منظور انتقال ارزش‌ها از جمله ارزش‌های سیاسی و فرهنگ هر واحد سیاسی و در نتیجه تامین منافع ملی آن واحد ضروری به نظر می‌رسد. اگر بر این امر تاکید داشته باشیم که در دوران موجود، ابزارهای رسانه ای نقش موثری در گسترش ارتباطات کشورهای مختلف ایجاد می‌کنند، طبیعی است که در چنین شرایطی امکان بهره‌گیری از نشانه‌ها و ابزارهای ارتباط بین فرهنگی در قالب تئوری دیپلماسی عمومی از اهمیت و مطلوبیت بیشتری برخوردار خواهد شد. در این زمینه رسانه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. اگر قدرت نرم شامل شکل دادن به تصورات دیگر کشورها نیز باشد، در این صورت اطلاعات، یک منبع مهم قدرت نرم محسوب می‌شود. اگر کشورها بتوانند اطلاعات لازم برای تاثیرگذاری منطقه‌ای را تولید کنند و اگر اینگونه اطلاعات در چارچوب امنیت نرم‌افزاری سازمان‌دهی شود، طبیعی است که امکان تاثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی و گروه‌های اجتماعی کشورهای رقیب وجود خواهد داشت. دیپلماسی عمومی دارای ابعاد مختلفی است. یک بعد مهم آن عبارت است از ارتباطات روزانه در قالب مطبوعات داخلی و خصوصاً خارجی که چارچوب و زمینه تصمیمات سیاست داخلی و خارجی را تبیین می‌کند. هر یک از ابعاد آن می‌تواند در روند هنجارسازی سیاسی و امنیتی ایفای نقش کند.

تبلیغات نیز یکی از شیوه‌های اصلی الهام بخشی است؛ اقداماتی نظیر ایجاد بخش رایزنی فرهنگی در سفارتخانه‌ها و تاسیس شعبات دانشگاهی در دیگر کشورها در راستای تبلیغ دستاوردهای کشور در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی، ساختن فیلم و مستندات متعدد در تبلیغ و صدور ارزش‌های فرهنگی و سیاسی انقلاب، حضور در مجامع بین‌المللی موثر واقع خواهد شد. ابزارهای نرم‌افزاری الهام بخشی در راستای تقویت قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در پنج بعد تبلیغات، ارائه مدل اقتصادی و سیاسی، معرفی موفقیت‌ها و پتانسیل‌های علمی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای منطقه و جهان اسلام، بهره‌گیری از شیوه‌های نرم‌افزاری و ابزارهای تمدنی و فرهنگی مشاهده نمود.

همچنین جمهوری اسلامی ایران با استفاده از قابلیت‌ها و توانایی‌های خود برای تعقیب سیاست‌های خود از جمله عدالت اجتماعی، صلح جهانی، احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی در جهان، خلع سلاح جهانی، اصلاح ساختار سازمان ملل، مبارزه با یک جانبه‌گرایی، اشکال گوناگون

تروریسم و حمایت از مردم مظلوم فلسطین می‌تواند سرمشقی برای کشورهای مختلف باشد و به تقویت قدرت نرم و به تبع آن ارتقاء جایگاه و اعتبار خود در عرصه منطقه ای و همچنین جهانی بپردازد. ثبات و ارتقای وحدت ملی نیز می‌تواند کمک شایانی به ارتقای قدرت نرم ایران بنماید. بنابراین برای سیاستمداران و حاکمان ایران ضروری است که ضمن توجه و تقویت فرهنگ و تمدن خود در برطرف کردن اختلافات سیاسی حزبی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی اهتمام ورزند و به پررنگ کردن مشترکات فرهنگی و منافع ملی توجه جدی نمایند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آرون، ریمون (۱۳۶۴). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). *کالبدشکافی تهدید*، تهران: دوره عالی جنگ؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- بیگللو، مهدی؛ مرادیان، محسن (۱۳۹۱). «ارتباط مشارکت سیاسی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، شماره ۳.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۸). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). *قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.
- حجازی، سید حسین (۱۳۹۱). «ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا»، *فصلنامه ره نامه سیاستگذاری*، سال سوم، شماره اول، بهار.
- جعفری پناه، مهدی و پور احمدی، حسین (۱۳۹۲). «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مولفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، بهار و تابستان، سال سوم، شماره ۸.
- جمالی، حسین (۱۳۷۹). *تاریخ و اصول روابط بین الملل*، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷). «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تاثیر آن بر روند تحولات جهانی»، *مجله علوم سیاسی*، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- خمینی، امام روح الله الموسوی (۱۳۷۰). *صحیفه نور*، ج ۹، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد انقلاب اسلامی.
- دال، رابرت (۱۳۶۴). *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*، ترجمه حسین ظفریان، بی جا: نشر مترجم.

- درخشه، جلال، غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، فصلنامه فرهنگ و ارتباطات، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۱۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، رادفر، فیروزه (۱۳۸۸). «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره پنجم، پاییز و زمستان، شماره ۲.
- راسل، برتراند (۱۳۶۱). قدرت، ترجمه نجف دریابندری، تهران: خوارزمی.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۲). «الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین الملل»، مطالعات قدرت نرم، پاییز و زمستان، سال سوم، شماره ۹.
- گالبرایت، جان کنت (۱۳۶۶). کالبدشکافی قدرت، ترجمه احمد شمساء، تهران: نشر مترجم.
- گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ج ۱.
- متقی، افشین و رشیدی، مصطفی (۱۳۹۲). «تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای اسلامگرایی در جهان اسلام از منظر ساخت گرای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۴.
- متقی زاده، احمد (۱۳۹۰). «مؤلفه های قدرت نرم انقلاب اسلامی»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۳). روحیه عدالت خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان، تهران: انتشارات موسسه مطالعات ملی.
- موسوی، سیدصدرالدین، قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲). «الهام بخشی و قدرت نرم ایران در سند چشم انداز ۱۴۱۴»، مطالعات قدرت نرم، پاییز و زمستان، سال ۳، شماره ۹.
- میلسن، ژان و دیگران (۱۳۸۸). دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف (۱۳۹۳). آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
- هرسیچ، حسین و دیگران (۱۳۹۱). «تأثیر جنبش های اسلامی مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۰.

ب) منابع انگلیسی

- Baldwin, D. (2003). "Power and International Relations", In W. Carlsnaes et al, eds. **Handbook of International Relations**, London: Sage.
- Campell, K., and O'Hanlon, M. (2006). **Hard Power: The New Politics of National Security**, New York: Basic Books.
- Hopf, Ted (1998). "The Promise of Constructivism in International Relations Theory", **International Security**, No. 1, Vol. 23.
- Nye, Joseph (2007). "Notes for a Soft Power Research Agenda", in **Power in Politics**, London & New York: Routledge.
- Nye, Joseph (2003). "U.S Power and Strategy after Iraq", **Foreign Affairs**, 82(4): July and August.
- Nye, Joseph (2002). **The Paradox of American Power: Why the World's only Super Power can't go it Alone**, New York: Oxford University Press.
- Nye, Joseph (1991). **Bound to lead: the Changing Nature of American Power**, Basic Books.
- Wagner, C. (2005). **From Hard Power to Soft Power? Ideas, Interactions, Institutions, and Images in India's South Asia Policy**, Working Paper, University of Heidelberg, Germany.